

## گزارشی در تعدیل قانون زراعتی در چند روستا

دکتر الهام ملک‌زاده\*

لایحه لیلۀ هفدهم ربیع‌الثانی، عنوان نسخه‌ای خطی است که در بخش نسخ خطی کتابخانه ملی ایران و با شماره بازبایی ۵ - ۱۷۱۵۰ نگهداری می‌شود. این نسخه حاوی مجموعه‌ای از رسالات است که به نظر می‌رسد تاریخ استنساخ آن‌ها حدود سال ۱۳۳۲ هـ ق است. نسخه دارای ۱۹۲ صفحه ۱۷ سطری و با خط شکسته نستعلیق بر روی کاغذ فرنگی شکری کتابت شده است. همچنین دارای تزئیناتی مرکب از جلد مقوایی با روکش تیماج عنابی، یک لا، مجدول دارای اندرون مقوایی و روکش کاغذی آبی است.

اولین رساله این مجموعه، جنگی است شامل یادداشت‌های مختلف و چند نامه از اوضاع سیاسی ایران پس از مشروطه و تأسیس مجلس شورای ملی. غالب این نوشته‌ها به یک خط و بعضاً تکراری و تقریباً بیشتر آن‌ها ناتمام مانده است. شاید بتوان ادعا کرد که این نسخه پیش‌نویس‌های نویسنده‌اند. او در دو جا از خود به نام اسماعیل دزفولی<sup>۱</sup> یاد کرده است. چنان که در ظهر جلد آن با مداد این‌گونه آمده: چند رساله و یادداشت به خط اسماعیل بن محمدتقی شیخ المشایخ دزفولی.

پدر مؤلف از علمای مشهور و محبوب دربار ناصرالدین شاه بود که به لقب ملاباشی نیز مفتخر شده بود. چنان که پیشتر آمد، مطالب نسخه شامل رسالاتی است مختصر با مضامینی در اخلاق اسلامی و سفارش به دینداری و اتحاد بین مسلمانان، توأم با اشعار مولوی و

\* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات انسانی.

۱. حاج محمداسماعیل شیخ‌المشایخ امیرمعزی مؤلف نوادرالامیر و رئیس کتابخانه سلطنتی در عصر احمدشاه.

شبستری و شیخ بهائی.

در رساله غیر از مورد بالا مشخصاً نامی از مؤلف دیده نمی‌شود. با این حال در فهرست مُشار، ذیل عنوان (لایحه متمم لایحه هفدهم ربیع‌الثانی ۱۳۳۲ ق) رسالاتی معرفی شده‌اند که یکی به مجتبی فرزند عبدالوهاب قزوینی، و دیگری با عنوانی مشابه به شیخ عبدالله بن شیخ زین‌العابدین مازندرانی حائری منسوب است که ظاهراً هر دو این رسالات هم در سال ۱۳۳۲ هـ ق در تهران چاپ شده‌اند.

از جمله رسالات موجود در نسخه خطی «لایحه لیلۀ هفدهم ربیع‌الثانی»، یعنی رسالۀ کنونی است که یادداشت‌های نویسنده برای علی‌رضا خان عضدالملک است در تعدیل چند قانون زراعتی و املاک و اراضی وی که به طور مشخص به مسائل ملکی و زراعی چهار قریه سلیمانیه و عضدیه و دولاب و هاشم‌آباد از قرای تهران قدیم که در زمرۀ املاک عضدالملک به شمار می‌رفتند مربوط می‌گردد. با این هدف که چنان چه اصلاحی در فصول آن ضرورت دارد انجام شود. این لوایح در سال ۱۳۲۶ هـ ق، در ۲۴ فصل تنظیم شده و از نظر روند تقسیم‌بندی اسبام زراعی، نحوه کشت و زرع و مسائل مالیاتی دارای اطلاعات جالبی است.

### متن رساله

سوادی است از لحاظ مبارک می‌گذرد و هر چه در فصول آن به منظر مبارک برسد، دستخط فرمایند ولی انشاءالله طول نکشد.

اعضاء محترم هیئت جلیله مشاوره که در امور ملکی بندگان حضرت [عضدالملک] دامت شوکتہ رسیدگی می‌نمایند ترتیبی زراعت کاری و عمل رعیتی قرای اربعه ذیل را به تصدیق ارباب خبره و امناء انجمن فتوت دولاب و سایر ممیزین از حال تحریر مطابق فصول ذیل معین کرده‌اند که من بعد مباشرین و رعایای املاک موقوفه تکالیف و حدود خود را صریحاً دانسته، تخطی از فصول مرقومه نمایند.

### بسم الله الرحمن الرحيم

بعد الحمد و الصلوه اگرچه رعایای قرای اربعۀ ذیل قرای سلیمانیه، عضدیه، دولاب، هاشم‌آباد که سال‌ها در ظل مراحم بندگان حضرت مستطاب اجل اکرم اشرف اسعد اعظم آقای عضدالملک دامت شوکتہ متنعم بوده و پیوسته نهایت رضایت و تشکر را از عنایات کامل حضرت معظم داشته و دارند، ولی مدتی بود که از مباشرین دلتنگی داشته و تشکی می‌نمودند و نسبت تخطی و تعدی به ایشان می‌دادند و به همین جهت و بهانه به تکالیف رعیتی خود عمل نمی‌کردند. تا به درجه [ای] که مباشرین ایشان نیز سوء رفتار و اطوار رعایا را پیشنهاد خاطر مبارک نموده و همگی را خائن و متقلب قلم می‌دادند، و این مسئله اسباب

ضرر و خسارت کلی شده بود و چون متدرجاً عیوب کار و سوء رفتار مباشر و رعیت مشهود افتاد و معالجه آن واجب آمد، لهذا در تاریخ تحریر ذیل منتخبین اعضاء محترم هیئت مشاوره که بر حسب امر مبارک بندگان حضرت اشرف اعظم در امور ملکی رسیدگی می‌نمایند در مجالس عدیده با منتخبین فتوت دولاب که در عمل رعیتی دارای خبرت و بصیرتند مذاکرات نموده و به جهت آیندۀ املاک موقوفه فصول ذیل را موافق عدالت و رفاهیت حال رعیت دیده و همه را در طی تحریر در آورده و به امضاء رسانیدند که از حال تحریر به بعد از همین قرار بدون تخلف رفتار شود.

**فصل اول:** هر رعیتی از این تاریخ تا مدت دو سال مجاز است که در اراضی املاک مرقومه، خانۀ رعیتی به جهت سکنای خود بسازد و اعیان ساخته خود را بدون عرصه بالاخص مالک باشد. مشروط آن که رشته [ای] از زراعت به شروط مقرر در آنجا داشته باشد، و پس از دو سال ساختن خانه موقوف به اجازه جدید است.

**فصل دوم:** هر رعیتی بدون استثناء اجازه دارد که در اراضی املاک مزبوره همه قسم اشجار بکارد. از قبیل احداث باغ و قلمستان و کاشتن اشجار در کنار نهرها و همه ساله نصف تمام منافع و فوائد اشجار را به همه جهت از بابت سهم اربابی به کارگزاران سرکار بدهد.

**فصل سوم:** هر رعیتی که زراعت شتوی و صیفی و یونجه کاری و غیره در املاک مرقومه می‌نماید و متحمل بذر و شخم می‌شود، محصول به قانون عادلانه پنج قسمت می‌شود. دو سهم اربابی و سه سهم رعیتی است.

**فصل چهارم:** سرچر بهاره که یکی از منافع محصول است نیز دو خمس آن حق ارباب و سه خمس حق رعیت است.

**فصل پنجم:** چون در برداشت کزل<sup>۱</sup> و سه خرمن و پشته کشی غالباً بی‌اعتدالی می‌شود، لهذا قرار بر این است که از هر سه، بابت خرواری پنج من تبریز قبلاً تسهیم پنج و دو از میانه برداشته شود.

**فصل ششم:** جیره دشتی بان از قرار خرمنی چهار من تبریز و همچنین مخارج خوراک عملۀ کوبیدن خرمن از میانه است، اختصاص به طرفی ندارد.

**فصل هفتم:** مخارج حدادی و نجاری فقط به عهده رعیت است.

**فصل هشتم:** مشروب نمودن باغات و اشجار و زراعت شتوی و صیفی کلیتاً در عهده مباشرین سرکاری است که از فنوات املاک مزبوره زراعت مرقومه را مشروب نموده، به هیچ وجه اسباب ضرر و خسارت فراهم نیاورد.

**فصل نهم:** بر حسب صوابدید اهل خبره که به جهت مشروب شدن زراعت صلاح

۱. بُن خوشه‌ها و کاه‌های خشن و درست ناکوفته باقی‌مانده در خرمن را کزل گویند.

دیده‌اند، گردش قنات سلیمانیه را که عمده قنوات است به گردش هشت شبانه روز معین نموده، و این ترتیب تغییر نخواهد یافت مگر به تصویب و تصدیق اهل خبره که از روی قانون عادلانه و انصاف تغییر آن را تصدیق بدهند.

**فصل دهم:** اگر به واسطه مسامحه مباشر در رساندن آب به زراعات کاشته شده رعیت یا بواسطه فروش آب به جای خارج، خسارتی وارد بیاید و مدلل شود به عهده مباشر سرکاری است که از عهده برآید.

**فصل یازدهم:** هر گاه به واسطه خشکسالی و اتفاقات خارجی قلت آب در قنوات فراهم شود و به زراعات آب نرسد و خسارت وارد بیاید زارع و غیره حق مطالبه آب یا خسارت زراعت نخواهد داشت.

**فصل دوازدهم:** هر قدر از قنوات مذکوره به جهت رعیت معین می‌کنند ملتزم است که بدون تفریط در پای آن همه قسم زراعت نماید و هر گاه تفریطی عالمأ عامداً در مقدار آبی که در دست اوست فراهم نماید، می‌باید از عهده قیمت آب و خسارت ارباب برآید.

**فصل سیزدهم:** مطابق قرارداد علیحده از هذلسنه هر چند بنه که به جهت زراعت کاری با آب قنات سلیمانیه معین می‌شود، از قرار، هر بنه [ای] دویست تومان به عنوان مساعده از طرف کارگزاران سرکاری داده می‌شود که از حال تحریر به تکالیف فصل ۱۴ و ۱۵ مشغول بشوند و هر شبانه روزی از گردش هشت شبانه روز به یک بنه داده می‌شود.

**فصل چهاردهم:** اشخاصی که مطابق قرارداد علیحده بنه‌بندی می‌نمایند و مساعده خود را متدرجاً دریافت می‌دارند، بدون تعطیل مشغول کفو رشوه دادن اراضی و شخم بهاره به جهت سنبله کاری در اراضی عضدیه و سلیمانیه بشوند. سایر قرای مذکوره هم موقوف به قرارداد دیگر است که در خور آنجا باشد.

**فصل پانزدهم:** به جهت هزینه از بنه‌های مذکوره که مساعده می‌گیرند و از حال تحریر مشغول آبادی زمین می‌شوند معین شده است که از قرار هر بنه سی جریب به جهت صیفی کاری رشوه داده آباد نمایند و همه ساله از قرار سالی سی جریب بر سی جریب سنه ماضیه علاوه کنند تا به درجه کامل استعداد آب و ملک برسد، و معین است هر صیفی که انفع به جهت ارباب و رعیت است از قبیل بادمجان و خیار، مقدم بر صیفی‌های دیگر است.

**فصل شانزدهم:** همه ساله تا پنج سال در رأس خرمن قبوض مساعده رعایا تجدید می‌شود، ولی عین تنخواه گرفته نخواهد شد که مجدداً سی جریب سال آینده را تهیه نموده آباد کنند، ولی در سال پنجم تمام مساعده را می‌توان دریافت کرد.

**فصل هفدهم:** هر خیانتی از رعیت بروز نماید و به درجه ثبوت برسد، اگر خیانت جزئی باشد، مجازات آن به اکثریت آراء اعضاء هیئت مشاوره و رعایای سر بنه‌ها است، و اگر خیانت کلی بروز کند و ثابت شود مجازات آن فقط گرفتن مساعده و اخراج خیانت‌کار است و اگر

علاقه[ای] داشته باشد و به سایر رعایای ساکنین آنجا بفروشد مجاز است.

**فصل هجدهم:** اگر رعیتی بخواهد قبل از پنج سال از رعیتی فرای مزبوره خود را خارج کند، می‌باید بدون تأمل وجه مساعده را تسلیم کارگزاران سرکاری نماید و در فروش علاقه خود اگر داشته باشد به سکنه آنجا لاغیر مجاز است.

**فصل نوزدهم:** هر گاه کارگزاران سرکاری بخواهند رعیتی را بدون جهت و خیانتی از قرای مذکوره اخراج نمایند می‌باید هر قدر علاقه داشته باشد به قیمت عادلانه خریداری نموده در آرای مساعده محسوب داشته و اگر اضافه دارد دستی به آن رعیت بدهد و خارج کند.

**فصل بیستم:** زراعتی که رعایای دولاب با آب ملکی بندگان حضرت اشرف در قطعات اراضی ملکی خود می‌نمایند کرایه گاو می‌باشند به ایشان داده می‌شود که باز به قانون عادلانه دو خمس سهم ارباب و سه خمس سهم رعیت باشد. ولی مزد گاوپار به عهده رعیت است.

**فصل بیست و یکم:** به جهت آوردن رود آب از شمیران، مخارج آن هر قدر بشود، به قدر سهم به عهده کارگزاران سرکاری است.

**فصل بیست و دوم:** مزد و مخارج عمله به جهت آوردن رود آب مذکوره به عهده رعایای دولاب است.

**فصل بیست و سوم:** در اول سنبله، میزان آب را در شبانه‌روز به جهت شتوی کاری معین کرده، به دست سربنده‌ها می‌دهند که بدون تفریط مشغول بذرکاری بشوند و از میزان آب کمتر نکارند. ولی همه ساله از اول حمل،<sup>۲</sup> می‌باید مشغول شخم‌زنی شده، تهیه اراضی را برای سنبله کاری از دست ندهند.

**فصل بیست و چهارم:** هر یک از فصول فوق را با رضایت طرفین و تصدیق اهل خبره می‌توان تغییر داد و الا تغییرپذیر نخواهد بود.

چون رعایای اربعه ذیل که سال‌ها در ظل مراحم بندگان به سر برده و به موجب اظهارات خودشان گرچه رضایت و نهایت تشکر را از عنایات شخص بندگان حضرت معظم له داشته و دارند ولی مدتی بود که از مباشرین خود تشکی داشتند و نسبت تخطی و به ایشان می‌دادند و به همین جهت به تکالیف رعیتی خود رفتار نمی‌نمودند تا به درجه[ای] که مباشرین ایشان نیز سوء اطوار رعایا را پیشنهاد خاطر مبارک بندگان حضرت اشرف نموده و همگی را در نظر مبارک خائن و متقلب قلمداد دادند و این مسئله متدرجاً اسباب ضرر و خسارت کلی حضرت معظم و رعایای مذکوره شده بود.

۱. شهریور.

۲. فروردین.

## نظامنامه انجمن صرافان تهران

نظامنامه انجمن صرافان تهران جزو مجموعه رسالاتی است که با عنوان لایحه ليله هفدهم ربیع‌الثانی، در بخش نسخ خطی کتابخانه ملی ایران و با شماره بازبایی ۵-۱۷۱۵۰ نگه‌داری می‌شود.

براساس مطالب موجود در نسخه به نظر می‌رسد تاریخ استنساخ آن در حدود ۱۳۳۲ هـ ق بوده است که در ۱۹۲ صفحه ۱۷ سطری با اندازه سطور: ۸۰×۱۵۵ و در قطع: ۱۱۸×۱۸۷ سانتی متر کتابت شده است. مشخصات ظاهری نسخه با خط شکسته نستعلیق بر روی کاغذ فرنگی شکر و با تزئیناتی مرکب از جلد مقوایی با روکش تیماج عنابی، یک لا، مجدول دارای اندرون مقوایی و روکش کاغذی آبی است.

انجمن صرافان تهران از جمله انجمن‌هایی است که پس از استقرار نظام مشروطه در ایران و شکل‌گیری انجمن‌های متعدد ایجاد گردید که رساله حاضر با عنوان نظامنامه انجمن صرافان تهران، در بردارنده مختصات و مقرراتی است که جهت اجرای امور و حدود وظایف و اختیارات اعضای آن نوشته شده است. البته متن نظامنامه انجمن صرافان مذکور کامل نیست و طبق آنچه در این رونوشت آمده دارای ۲ شعبه بود. شعبه اول مربوط به تمام صرافان ایرانی می‌شد و در ۱۲ فصل تدوین گردیده است. به نظر می‌رسد احتمالاً یادداشت حاضر، پیش‌نویس متن اصلی است که به طور ناقص باقی مانده، از این رو تنها تا فصل ۵ شعبه اول و از صفحه ۶۷ تا ۷۴ نسخه خطی مذکور را شامل می‌شود. این نوشتار شامل متن استنساخ شده نظامنامه انجمن صرافان تهران به منظور استفاده محققان حوزه مطالعات تاریخ اقتصادی ارائه شده است.

### بسم الله خیر الاسماء

چون در این اوان سعادت توأمان که بحمدالله تعالی مملکت ایران و وطن عزیز ایرانیان به اساس مشروطیت دولت و حریت افراد ملت و اجرای قوانین معدلت آراسته شده و بازار ظلم و استبداد کاسته و هر فردی از این ملت می‌تواند بدون ترس و تقیه امور زندگانی خود را با احکام قرآنی و قوانین عقلانیه مطابق نماید و در معاشرت و رفتار اسم مسلمانان را به معنی آن قرین سازد، لهذا در تاریخ ذیل، صنف محترم صرافان دارالخلافت تهران انجمن‌های عدیده با کمال میل و رغبت منعقد نموده و دست برادری و اخوت به هم داده، متحداً و متفقاً بر اجرای مفاد آیه «وافی هدایه»<sup>۱</sup> و امرهم شوری بینهم» یک رأی و داوطلب شدند، و امور راجعه به عمل صرافان را از این تاریخ به بعد موکول به مشورت و رأی انجمنی از منتخبین

۱. آیه وافی هدایه نور فی صنعة البیضاء و صنعة الحمراء که منظور ارشاد به امر طبیعت و فطرت است که هر کس به منظور اصلاح جامعه و امور عامه فداکاری نماید بزرگوارتر در نزد افراد جامعه خواهد بود.

خودشان نمودند تا حتی‌المقدور معاملات ایشان با قواعد شرعی و قوانین عقلیه مطابق باشد. و به مضمون اسباب نیکبختی و سعادت دنیا و آخرت بر وجه اتم و اکمل برای ایشان فراهم آید و محض توضیح و استحکام این اتفاق و اتحاد، همگی فصول نظام‌نامه ذیل را از نظر دقت گذرانیده و تمام آن را پس‌ننیده و متفق‌الکلمه بر اجرای آن هم عهد شده و معاهده خود را به زیارت کلام‌الله مجید و سوگند به حقیقت آن مؤکد نمودند و به زبان عجز و نیاز از درگاه حضرت کارساز توفیق خود را در انجام این مرام خواستار شدند. آنه علی‌کل شی‌قدیر و بالاجابة جدیر.

### نظامنامه متحده انجمن صرافان تهران

مشمول بر دو شعبه:

شعبه اول: متعلق به تمام صرافان ایرانی تهران و پس از توسعه اداره متعلق به تمام صرافان ایرانی و مشتمل است بر دوازده فصل.

۱. رفع ظلم از یکدیگر.

۲. معاونت مشروطیت دولت و مجلس دارالشورا تا درجه [ای] که منافی شرع و عقل نباشد.

۳. تعمیم متحدین نسبت به صرافان فارس.

۴. تخصیص متحدین به ایرانی ولو در ممالک خارج باشند.

۵. تشکیل صندوق اعانه و دادن نفری پنج تومان عجالاً به جهت مصارف انجمن.

۶. دستگیری از ضعفای صنف از صندوق اعانه.

۷. ترک مروده با اشخاصی که برخلاف این نظامنامه رفتار کند و خلاف قسم نماید و

اگر هر کس در کسب صرافی داشته باشد سهم او را خریداری نمایند.

۸. عاجلاً تعیین منتخبین انجمن متحده صرافان.

۹. تجدید منتخبین در هر شش ماه به اکثریت آراء.

۱۰. حق هر صرافی است که در انجمن حاضر شده، ناظر آراء اهل انجمن باشد و هر گاه

جزو شرکتی است حق مطالبه توضیح هم دارد.

۱۱. حق دارند که هر گاه خیانتی از منتخبین انجمن ببینند مدلل کرده و قبل از موعد

عزل و تجدیدش بنمایند.

۱۲. در اظهار رأی خود تمام متحدین آزاد هستند.



### حدود انجمن متحده

۱. تعیین محل انجمن.
۲. تعیین ایام مجلس در عرض<sup>۱</sup> هفته و مدیر و منشی و مطبوعه و دفتردار و ضابط صندوق اعانه و مستخدمین به اکثریت آراء.
۳. حق ایشان در احضار سایر صرافان.
۴. هر یک حق دارد که با دلیل استعفا نماید و بدون دلیل موجه ممضی نیست.
۵. آزادی تمام ایشان در اظهار رأی خود.
۶. می‌توانند به اکثریت آراء به جهت مصالح عموم تشکیل انجمن سری نمایند.
۷. هر رشت کسب و شرکتی را که مفید به جهت صنف ببینند و رأی بدهند متحدین امضاء نمایند.
۸. از متحدین هر کس که منهمک<sup>۲</sup> در معاصی و اموری است که منافی شرف صنف است و به نصیحت ممنوع نشود به اکثریت آراء، حق اخراج او از متحدین و شرکاء دارند.
۹. حق دارند که به اکثریت آراء بعضی مخارج خیرات و میرات صرافان را که در خارج می‌کنند متحد نموده و برای مجلس به مصرف برسانند تا فوائد آن زیاده باشد.



۱. اصل نسخه: عرضه.

۲. مضر، پافشاری کننده، مبالغه کنند.



(۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِجَدِّ الْحَمْدِ وَكَصَلَاتِهِ أَكْرَمِ رِغَائِرِ قَوَائِمِ أَرْبَعَةِ زَيْمِ كَسْبِهَا

قریه سلیمانیه عضدیه در لادب هاشم آباد

ظفر حرم نیکان حضرت مستطاب جبر اکرم اشرف بعد

عظم آقای عضد الملک دست ثمره تنعم بعهد و پیوسته

نهایت رضایت تشکر از درخانیات کامله حضرت معظم داشته

و در اندر دل و دلت به بود از با برین دستنک و شسته و شسته

مغزند و نسبت کفلی رفته برایشان میدلفند و بهین بهین

و بهانه بجایکف رعیت خود نمیکردند تا بدرجه در با برین ایشان

بیزیر، رفقار و اطوار غیار را پیش نهاد خاطر مبارک نغمه و همگی

خائن و متقلب قلم میدادند و این مسئله سبب ضرر و خسارت

کلی شده بود و چون متذرعاً غیر بکار و سود رفقار با شرو

رعیت مشهور افتاد و سالجبه آن در حجب آمد لکن در تاریخ تحریر

منتخبین عضد محترم مکتوب شده در حجب از مبارک نیکان حضرت

الذین

پیام بهارستان / ویژه نامه مالییه و اقتصاد / ش ۱ / تابستان ۱۳۹۲

(۲)

بشرف عظم در امر ملک رسیده که عیناً در مجلس عهدیه با نتیجه این  
فوت در ملک که در عمر رهبر دارا از جنرت و بصیرتند  
مذاکرت نمفهم و بجهت آینه ملک رومه فضل نیز در وقت  
عدالت در قاضیت حال رعیت دیده و همه سو در طی تحریر  
در آورده و با مضار رسیده در از قلم تحریر بعد از این قرار بر بدن

رفا رفوف

فضل اولک بر رعیتی از زمین تاریخ مادت در سال مجازت  
که در اراضی املاک رومه خانه رعیتی بجهت سنگنار خوب بود و عین خفته  
خو لو بدن عرصه با بد خصاص مالک بشد سر و خط انکه رسته از رفوت  
بشروط مقرر در آنجا در رسته بشد پس از در سال سابقین خانه موقوف  
با اجازه جدید است

فک بر رعیتی بدون رستنا از اجازه دار و در اراضی املاک بزور  
همه قسم رستگار و از قید اصرار باع و قلمستان و کاشتین از شمار در کنار  
نهر که در همه ساله نصف تمام منافع و فولاد رستگار و کو همه جهت از بابت هم

پیام بهارستان / ویژه نامه مالیه و اقتصاد / ش ۱ / تابستان ۱۳۹۲



(۵)

دخاست از باب برآید

ف ۱۳ مطابق قرار دلو علیده از غده پسند بر خیزنده که بجهت زراعت کالی  
 باب قنات سیدمانیه مینویسند از قرار بر نوبت هریت توان مینویسند  
 از طرف کارکنان سرکار دله میگویند که از راه لاجر ترسکها کیف فصل ۱۴  
 در ۱۵ استغول بوزیر بر سبانه رز در رز کردش است سبانه زرد بلیک بنه  
 دله میگویند

ف ۱۴ از حال لاجر علیده رضای که مطابق قرار دلو علیده بنه بنه سبانه  
 در سعه خود مقرر در یافت میرانند بدین معنی استغول کوه کوه  
 دلون در فرسخ چهاره بجهت سبانه کار در در فرسخ سبانه رسیده بنه بنه  
 قرار مذکوره هم موقوف بقرار دلو دیگر است که در خور آنجا باشد  
 ف ۱۵ بجهت بر نوبت از نوبت مذکوره که مساعده میکنید در راه لاجر استغول  
 آب از زمین مینویسند شده است که از قرار بر نوبت سبانه بجهت معنی  
 کار در سبانه دله آب نمانند در مساعده از قرار سبانه سبانه بر سبانه  
 ماضیه علاوه کنند تا بدرجه کار استعدا آب ملک بسده مینویسند است هر  
 مفر

(۹)

صیفی که زعفران بجهت رباب در عیت است از قبیل بادجهان در خیار مقدم

صیفی که در کبیر است

فک ۱۶ همه ساله تا پنج سال در راس فرخ فرخ موقوف من عده ری یا یکدین شود

عین محرابه گرفته شود بدین که هم در اسیر جیب سال آید و کوه تیره هم را بکنند

در سال سوم تمام من عده کوه تیره آن دریافت کو

فک ۱۷ هر خیار تر و عطف این پنج سال در عیت بر زمین در بدو هر فوت بسته

اگر خیار خزان بسته هم از آن کبیر است اگر در عین است بسته و در

ری یا سر سینه ما است اگر خیار است که بر زمین بسته شود هم از آن

فقط گرفتن من عده در فرخ خیار است و اگر عده داشته باشد

در ری یا سر سینه کبیر آنجا بفرستد هم از آن

فک ۱۸ اگر عین خیار بر زمین در عین فرخ فرخ کوه خیار کند

بیا بر بدن تا در وجه من عده کوه تیره کار که نهون سر کار تا در خود فرخ

عده خود اگر داشته باشد بلکه آنجا لا غیر هم از آن

فک ۱۹ هر گاه کار که نهون سر کار بر زمین در عین کوه بدن جهت خیار تر



